

جنبش دانشجویی مجددا در مقابل سوال " چه باید کرد؟" قرار گرفته است

ر. راسخ

Renowa1000@aol.com

جنبش دانشجویی بعد از یک سکوت سه ساله بار دیگر وارد میدان شده است. این بار نیز حضور تشکلات دانشجویی رژیم که سعی دارند محورهای اصلی این تجمعات و اعتراضات را به دست خود گیرند، بسیار مشهود و حائز اهمیت است. گرایش خود را مدعی و کاسه داغ تر از آش جنبش دانشجویی مطرح کرده و حتا کتک هم می خورد، گرایش دیگر اما در کنار سربازان گمنام امام زمان و لباس شخصی ها به ضرب و شتم دانشجویان مبادرت می ورزد. ولی هر دو گرایش به نوعی سعی دارند که خاطرات تلخ شکست قیام دانشجویی ۱۳۷۸ را که در جریان آن صدمات زیادی بر دانشجویان معترض وارد شد را گوشزد کرده و از رادیکال شدن آنچنانی این حرکتها جلوگیری کنند.

در حقیقت بعد از سال ۱۳۷۶، اختلافات جناحهای هیئت حاکم مرزهای روزنامه ها و مجلس و دیگر ارگانهای حکومتی را در نرودیده و وارد اجتماعات و اعتراضات دانشجویی نیز شده است. جناحهای هیئت حاکم هر یک سعی دارد با متهم کردن یکدیگر به کم کاری، این اعتراضات را ناشی از سیاست های اشتباه یکدیگر معرفی کنند. فعالیتهای پیگر دفتر تحکیم، که عمدتا سیاستهای جبهه مشارکت در درون دانشگاهها به جلو می برد و جامعه اسلامی دانشجویان و بسیج دانشجویی که با جناح اقتدارگرا هم صوت هستند در همین راستا صورت می گیرد.

اما دانشجویان مستقل بعد از جریانات دانشجویی ۱۳۷۸، این تجربه دارند که کلیه این جریانات فقط و فقط ظرفهای جنگهای جناحی و داخلی رژیم هستند و کردار و پندار آنان کوچکترین رابطه ی با هم ندارند. در حساس ترین شرایط همین جریانات بودند که یکی از درون، حرکتهای دانشجویی را متلاشی و آن دگری از برون به ضرب چوب، دشنه، پنجه بکس و چاقو آنان را سرکوب می کند.

امروز لزوم ایجاد تشکلات مستقل دانشجویی (مستقل از هر دو جناح حاکمیت) بیشتر از هر روز دیگر ملموس تر احساس می شود. ایجاد این تشکلات اما باید بر بستر رادیکالیزم موجود و افشای گرایشات حکومتی استوار گردد.

دانشجویان مبارز بدون وجود تشکلات مستقل ا شان بسان سربازان می مانند که بدون آنکه شمشیری بزنند، بازنده نبرد هستند. بدون شک تشکلهای مستقل دانشجویی می تواند در زمان کوتاهی شعارها و مطالبات دانشجویان را سراسری و تحقق بخشند.